



Investigating the role of social and cultural factors in political development in Bandar Gaz city

Jafar Mallah¹, Abolghasem Hyderabad^{2*}, Saifullah Farzaneh³
(Received date: 2023/06/02 - Accepted date: 2023/09/24)

Abstract:

One of the most important dimensions of development in any society is political development. Political development is influenced by social, economic and cultural factors. The article was carried out with the sociological explanation of the political development of Bandar Gaz city. The research method was a survey and information was collected using a questionnaire. All people over 18 years of age were selected as the statistical population, which is equal to 36,785 people. The sampling method is a multi-stage cluster and the sample size is 380 people based on Cochran's formula.

The findings show that the average of the political development variable is equal to 2.01, which is a higher number than the average. The dimension of political participation with an average of 2.31 has the highest average and the dimension of political freedom with an average of 1.76 has the lowest average among the dimensions of political development. The variables of religiosity, social capital, political socialization, means of mass communication and political trust have a positive and direct relationship with the level of political development. The findings show that 40.5% of the changes in political development are explained by variables. Religiosity has the least effect and political trust has the greatest effect on political development. The result is that it is necessary to pay attention to the role of socialization and political trust and social capital indicators in increasing and accelerating the political development of Bandar Gaz.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

Keywords: Political development, social capital, political trust, political socialization

¹ PhD student in Economic Sociology and Development, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran E-mail: jafar.mallah@yahoo.com

² Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran (corresponding author): E-mail: ashahin2000@yahoo.com

³ Assistant Professor, Department of Sociology, Islamic Azad University, Babol Branch, Babol, Iran E-mail: mfilib@yahoo.com



بررسی نقش عوامل اجتماعی فرهنگی در توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز

جعفر ملاح^۱، ابوالقاسم حیدرآبادی^{۲*}، سیف‌الله فرزانه^۳

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۱۲ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲)

چکیده:

یکی از مهمترین ابعاد توسعه در هر جامعه‌ای، توسعه سیاسی است. توسعه سیاسی متأثر از عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. مقاله با هدف تبیین جامعه‌شناختی توسعه سیاسی شهرستان بندر گز انجام شد. روش تحقیق، پیمایشی بوده و با ابزار پرسشنامه اطلاعات جمع‌آوری شد. کلیه افراد بالای ۱۸ ساله به عنوان جامعه آماری انتخاب شده که برابر ۳۶۷۸۵ نفر است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بوده و حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸۰ نفر است.

یافته‌ها نشان می‌دهد که میانگین متغیر توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد. بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. متغیرهای دینداری، سرمایه اجتماعی، جامعه‌پذیری سیاسی، وسایل ارتباط جمعی و اعتماد سیاسی با میزان توسعه سیاسی رابطه مثبت و مستقیمی دارند. یافته‌ها نشان می‌دهد که ۴۰/۵ درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی توسط متغیرها تبیین می‌شود. دینداری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. نتیجه این که توجه به نقش جامعه‌پذیری و اعتماد سیاسی و شاخص‌های سرمایه اجتماعی در افزایش و تسریع توسعه سیاسی بندر گز الزامی است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: توسعه سیاسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی.

^۱ E-mail: jafar.mallah@yahoo.com

^۱ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران

^۲ E-mail: ashahin2000@yahoo.com

^۲ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران (نویسنده مسئول):

E-mail: mfilib@yahoo.com

^۳ استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بابل، بابل، ایران



طرح مسأله

یکی از مهمترین ابعاد توسعه در هر جامعه‌ای، توسعه سیاسی است. توسعه سیاسی می‌تواند سایر ابعاد توسعه مانند توسعه اقتصادی، توسعه اجتماعی، توسعه فرهنگی، توسعه انسانی و توسعه روانی را تحت تأثیر خود قرار دهد. در نتیجه ارتباط نزدیکی بین توسعه سیاسی با سایر ابعاد توسعه قابل مشاهده است. مقوله توسعه سیاسی از اواخر دهه ۵۰ میلادی و اوایل دهه ۶۰ میلاد مورد توجه دانشمندان علوم سیاسی قرار گرفت. نوسازی سیاسی با مشارکت سیاسی همراه است. نوسازی سیاسی با جنبه‌های روبنایی توسعه سرو کار دارد، توسعه سیاسی با دگرگونی‌های زیربنایی مربوط می‌شود (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۱۰). امروزه متفکران و صاحب نظران توسعه، مشارکت را از مهمترین ارکان توسعه به شمار می‌آورند (علیخانی، ۱۳۸۷: ۶۹). برخی شاخص آن را رشد اقتصادی (قوام، ۱۳۸۴: ۱۱)، رشد اقتصادی و شاخص روانی (هانتینگتون، ۱۳۷۹: ۳۴). فرهنگ سیاسی (روشه، ۱۳۷۶: ۶۵)، مشروعیت سیاسی (پای، ۱۳۸۰) و مشارکت سیاسی (معینی پور، ۱۳۸۹: ۳) می‌دانند.

در یک فرهنگ سیاسی مشارکتی، اعضای اجتماع، درصدد می‌باشند که صریحاً به سوی نظام، به عنوان کل و به سوی ساختهای سیاسی و اداری و روندها گرایش پیدا کنند (مونتی و اشترن، ۱۳۷۱: ۱۰۲). در جوامع در حال توسعه، فرایند نوسازی و توسعه سیاسی به خوبی شکل نگرفته است و با توسعه سیاسی در کشورهای توسعه یافته اختلاف زیادی وجود دارد. هنوز در جوامع در حال توسعه‌ای مانند ایران، شاخص‌های توسعه سیاسی مانند مشارکت سیاسی و آزادی حق انتخاب و دموکراسی به طور کامل رخ نداده است و باید دید که مسأله اصلی جهت عدم توسعه سیاسی در جامعه چیست؟ یکی از مهمترین مسائل هر جامعه، رشد و توسعه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن می‌باشد، که به لحاظ اهمیت و اعتبار خاصی که دارد، معمولاً در رأس دستور کار دولتها قرار می‌گیرد.

تاریخ تحولات ایران نشان می‌دهد که قوم ایرانی همواره مردمی آزادمنش و آزادی‌خواه بوده است (برزگر، ۱۳۷۵، ۳۳). ایران به علت وضعیت جغرافیایی و سیاسی خود و قرار گرفتن در منطقه‌ای مهاجر پذیر، دارای انقطاع سیاسی، اجتماعی و فرهنگی متعددی بوده است. برخی سنت‌های سیاسی که در طول تاریخ به عادات رفتاری ایرانیان تبدیل شده است، یکی از موانع عمده توسعه سیاسی در ایران بوده است. این رفتارها شامل موارد نسبتاً متعددی مانند تسلیم‌پذیری یا سلطه فرهنگ تسلیم، سنت خودکامگی و استبداد، سنت خشونت توطئه و تزویر، سنت تکروی و فردگرایی و در نهایت سنت بی‌اعتمادی است (عیوضی و منصورزاده، ۱۳۹۰). فرهنگ سیاسی محصول تاریخ نظام سیاسی در ادوار گوناگون می‌باشد که ریشه در رفتار عمومی و نیز تجربه‌های شخصی داشته و مطالعه دقیق آن، فرآیند تبدیل تقاضا و خواستها را به



تصمیمات، استراتژی‌ها و سیاستها نشان می‌دهد. بر این اساس، تحلیل ابعاد گوناگون فرهنگ سیاسی انعکاس دهنده رابطه اقتدار سیاسی و ارزشها بوده و ما را قادر می‌سازد میزان مشروعیت نظام سیاسی را مورد ارزیابی قرار دهیم و از آنجا که محیط نظام ارزشی است، فرهنگ سیاسی جهت‌گیری‌های مردم را نسبت به نهادها، ساختارها و نیز عملکردهای سیاسی مشخص می‌کند. کم و کیف مشارکت سیاسی، شیوه رأی دادن، پشتیبانی و بی‌اعتنایی نسبت به نظام سیاسی، تا حد قابل توجهی به، ارزشها، اعتقادات، انگاره‌ها و نهادهای نهادینه شده بستگی دارد (اینگلهارت ۱۳۷۴: ۲۱-۱۹).

بندر گز یکی از شهرهای استان گلستان است که بر اساس شواهد موجود در حوزه توسعه سیاسی، رشد چشمگیری نداشته است و میزان مشارکت سیاسی و فعالیت احزاب سیاسی در آن کم رنگ است. روند مشارکت سیاسی و ابعاد توسعه سیاسی در سال‌های گذشته در این شهرستان چشمگیر نبوده (طبق یافته‌های لطفی، ۱۳۹۶ و خوشفر و میرزاخانی، ۱۳۹۵) و این امر به عنوان مسأله تحقیق انتخاب شده و ضرورت دارد تا به بررسی علمی آن پرداخته شود. نتایج تحقیق نسترن و فتاحی (۱۳۸۸) نشان دهنده عدم توزیع هماهنگ امکانات و خدمات در شهرستان‌های استان گلستان می‌باشد. به شکلی که شهرستان‌های گرگان، بندر گز و کردکوی از لحاظ برخورداری از جمیع امکانات و خدمات نسبت به دیگر شهرستان‌های استان در رتبه نخست و شهرستان‌های بندر ترکمن، مینودشت، آزادشهر و آق‌قلا در رتبه آخر قرار دارند. سعیدی و دیگران (۱۳۹۸) معتقدند که سطح زندگی انسان با رشد و پیشرفت علم و دانش بشری همواره در حال پیشرفت بوده است. با این حال، این رشد و توسعه در تمام مناطق و سکونتگاه‌های انسانی یکسان نبوده و در نتیجه آن جوامع مختلفی با سطح توسعه اجتماعی متفاوت ایجاد شده است. ارزیابی و سطح‌بندی توسعه اقتصادی اجتماعی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر میزان توسعه‌یافتگی روستاها نشان داد که شهرستان گنبد با ضریب بهره‌مندی ۰/۹۲ رتبه اول و شهرستان بندر گز با ضریب بهره‌مندی ۰/۱۲ رتبه یازدهم (آخرین رتبه توسعه‌یافتگی) را بدست آورد. خوشفر و میرزاخانی هم سطح سرمایه اجتماعی و همچنین توسعه یافتگی بندر گز را در حد بالایی ارزیابی نمودند (خوشفر و میرزاخانی، ۱۳۹۵: ۲۱). اما لطفی (۱۳۹۶) نشان داد که توسعه سیاسی در بندر گز خیلی کم است (لطفی، ۱۳۹۶: ۶۹۵). بر این اساس، در این مقاله هدف بررسی و تبیین عوامل اجتماعی و فرهنگی موثر بر توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز است. در این راستا از یک سو به تاثیرات عوامل اجتماعی مانند اعتقادات دینی، سرمایه اجتماعی، وسایل ارتباط جمعی، اعتماد سیاسی و نقش جامعه‌پذیری سیاسی بر ابعاد توسعه سیاسی پرداخته شده و از سوی دیگر موانع توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز مورد بررسی قرار می‌گیرد. به این ترتیب مقاله به دنبال پاسخ به این سؤال است که نقش عوامل اجتماعی و فرهنگی در توسعه سیاسی شهرستان بندر گز چگونه است؟ و کدام یک از این عوامل می‌توانند تبیین دقیق‌تری از توسعه سیاسی داشته باشند؟



پیشینه تحقیق

ذوالفقاری و همکاران (۱۴۰۱) به مطالعه رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹ پرداختند. مشارکت سیاسی از چشم‌اندازها و سیاست‌گذاری‌های جمعی است که بدون سرمایه اجتماعی محقق نمی‌شود. روش تحقیق از نوع فراتحلیل است. حجم جامعه ۲۸ سند پژوهشی-پیمایشی است. یافته‌ها نشان داد اندازه اثر کلی سرمایه اجتماعی بر مشارکت سیاسی برابر با ۴۶ درصد است. بین مولفه‌های سرمایه اجتماعی شامل انسجام اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تعلق مذهبی، آگاهی اجتماعی، تعلق اجتماعی، اعتماد اجتماعی و گروه مرجع نخبگان با مشارکت سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. سرمایه اجتماعی می‌تواند پشتوانه‌ای محکم و تضمینی برای تحقق مشارکت سیاسی باشد. سرمایه اجتماعی در اجتماعات با ارتباط و انسجام اجتماعی اقوام با اقوام با نظام، و شهروندان با حکمرانان سیاسی تقویت می‌شود.

رزمجویی و همکاران (۱۴۰۱) به بررسی فرهنگ سیاسی مشارکتی و تاثیر آن بر تحقق توسعه سیاسی پرداختند. فرهنگ سیاسی مشارکتی و تاثیر آن بر تحقق توسعه سیاسی از دیر باز در شمار موضوعات مورد توجه علمای علم سیاست و جامعه‌شناسان بوده است. برای این منظور با تنظیم مدل مفهومی برگرفته از دیدگاه‌های هانتینگتون و جگورایب درباب توسعه سیاسی و نظریات پای، آلموند، پاول، وربا و اینگلههارت در باب فرهنگ سیاسی مشارکتی فرضیه‌های پژوهش تدوین و تنظیم شد. داده‌ها از نمونه آماری ۳۷۷ نفر از میان دانشجویان دانشگاه شیراز با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی، گردآوری شده است، جهت پایایی از شاخص آلفای کرونباخ و برای تجزیه و تحلیل از روش معادلات ساختاری مبتنی بر واریانس استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد، فرهنگ سیاسی مشارکتی و مؤلفه‌های تاثیرگذار بر آن مانند اعتماد اجتماعی، فرهنگ گفتگو، فردگرایی، فرصت‌های برابر سیاسی و اجتماعی، می‌تواند زمینه‌ساز و تقویت کننده توسعه سیاسی باشد. ولی فرهنگ سیاسی تبعی و محدود به عنوان مانعی فراگیر برای توسعه سیاسی محسوب می‌شوند.

دمیری و ابطحی (۱۴۰۰) به بررسی پرداختند. نتایج نشان داد که رابطه مستقیم و معناداری بین سرمایه اجتماعی با مولفه اعتماد و توسعه سیاسی با رویکرد بومی وجود دارد. پیش‌شرط توسعه سیاسی و کارآمدی حکومت‌ها به سرمایه اجتماعی هر کشوری برمی‌گردد. سرمایه اجتماعی به عنوان پیوندها و هنجارهای مشترک و تعمیم اعتماد اجتماعی در سطح خرد و کلان نه تنها عامل تسهیل امور برای افراد و گروه‌هاست بلکه عامل مهم در شناسایی جامعه سیاسی نیز می‌باشد.



مرادی و همکاران (۱۳۹۹) در بررسی نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی به این نتایج رسیدند که توسعه سیاسی بر سرمایه اجتماعی اثرگذار بوده است. به عبارتی، بین متغیرهای توسعه سیاسی (متغیر وابسته) و سرمایه اجتماعی (متغیر مستقل) همبستگی معناداری وجود دارد. حدود ۴۲/۳٪ از تغییرات توسعه سیاسی (حق رأی و شرکت در انتخابات و اجتماعات) به کمک متغیر مستقل (سرمایه اجتماعی) قابل تبیین است. یافته‌های تکنیک دلفی فازی حکایت از توافق تقریباً کامل (بالای ۷۰ درصد) خبرگان در مورد تاثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر توسعه سیاسی و اجتماعی در ایران دارد.

آذرشب و آسوده (۱۳۹۸) به بررسی جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که برای رسیدن به یک جامعه توسعه یافته سیاسی باید هم دولت توسعه‌گرا و هم جامعه مدنی توسعه‌گرا وجود داشته باشد، و جامعه مدنی یکی از عوامل اصلی توسعه سیاسی است.

ضمیری، صالحی امیری و فتحی (۱۳۹۸) به بررسی گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی نگرش به تأثیر تحزب بر رفتار حزبی) پرداختند. یافته‌ها نمایانگر وجود همبستگی محسوس میان نگرش مثبت به نقش احزاب در توسعه سیاسی، و گرایش به فعالیت حزبی است. بخش قابل ملاحظه‌ای از نمایندگان مجلس ششم و هفتم، بر این باورند که احزاب و تحزب نقش مثبت و کارآمدی در فرایند توسعه سیاسی دارند، از سوی دیگر نگرش مثبت به تأثیر تحزب بر توسعه سیاسی، بر رفتار سیاسی نمایندگان نیز تأثیر مثبت نهاده و نمایندگانی که به نقش مثبت احزاب در فرایند توسعه سیاسی باور داشته‌اند در عمل نیز به فعالیت حزبی گرایش بیشتری نشان داده‌اند.

ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) مقاله‌ای با عنوان بررسی تاثیر ابعاد سرمایه اجتماعی بر ابعاد سه‌گانه توسعه سیاسی دارند. نتایج حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تاثیر مثبت دارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تاثیر مثبت دارد. به لحاظ مطلوبیت نگرش شهروندان تهرانی به توسعه تنها بعد احساس تعلق به جامعه در سطح مطلوبی قرار دارد، و ابعاد احساس آزادی سیاسی و رضایت از اوضاع سیاسی و همچنین متغیر نگرش به توسعه سیاسی در بین افراد در سطح مطلوبی قرار ندارند. در خصوص اولویت‌بندی ابعاد اعتماد اجتماعی نیز فقدان خشونت ساختاری در اولویت نخست، و ابعاد کنترل فساد اداری و مالی، تسهیل تعاملات سیاسی اجتماعی، شفافیت رفتاری، میزان انعطاف‌پذیری، عدالت در مجازات، شفافیت اطلاعاتی، اعتماد به رسانه، اعتماد به نهادهای حکومتی، عدالت اقتصادی و شفافیت گفتاری در اولویت‌های بعدی قرار دارند. همچنین



متغیر مشارکت اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی یعنی ابعاد رضایت از اوضاع سیاسی، احساس آزادی سیاسی و احساس تعلق به جامعه نیز تاثیر مثبت دارد.

عقیلی (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به بررسی نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم پرداخت. اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

محمدی‌مهر و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای به گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران می‌پردازند. رهیافت بیشتر کتاب‌ها مدرنیزاسیون و دموکراتیزاسیون بوده و عامل اصلی توسعه نیافتگی سیاسی ایران، استبداد و اقتدارگرایی، مولفه‌های فرهنگ سیاسی و شکاف بین سنت‌گرایی و تجددطلبی عنوان شده است.

اخوان کاظمی و دیگران (۱۳۹۷) به بررسی روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که با وجود زمان‌بر بودن دستیابی به فرایند توسعه سیاسی، به علت فراهم شدن تدریجی زیربنای توسعه و نهادینگی آن پس از انقلاب اسلامی تاکنون، امکان بازگشت به اقتدارگرایی و شکل‌گیری امواج ضد توسعه‌ای در آینده در جامعه ایرانی به کمترین حد ممکن خود رسیده است.

زیباکلام و دیگران (۱۳۹۰) و کهرازه (۱۳۹۶) به نقش نخبگان فکری بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، عیوضی و منصورزاده (۱۳۹۰) به تاثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرایند توسعه سیاسی، سیونگ یو (۱۳۷۷) به نقش فرهنگ سیاسی، قیومی (۱۳۹۰) به نقش نخبگان حاکم و ساختار قومیتی، مرادنژاد سرای و دیگران (۱۳۹۵) به نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه اشاره می‌کنند. صالحی امیری و دیگران (۱۳۹۱) به بررسی طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد توسعه پایدار پرداخته است. سرمایه اجتماعی و مؤلفه‌های آن نظیر، نظم، وفاق اجتماعی، تعهد و پیوند اجتماعی، انسجام اجتماعی، امنیت و مشارکت اجتماعی در نهایت ۷۰٪ بر بعد سیاسی توسعه پایدار اثر دارد. نظری؛ بشیری گیوی و جنتی (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال) نشان داد بین متغیرهای اعتماد به رسانه‌های جمعی، اعتماد به افراد مذهبی، اعتماد به سیاسیون، اعتماد سیاسی، مشارکت سیاسی با توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. به عبارتی نتایج حاصل از این یافته‌ها نشان دهنده تاثیر عواملی چون اعتماد به رسانه‌های گروهی، اعتماد به سیاسیون و اعتماد سیاسی و اعتماد به افراد مذهبی، مشارکت سیاسی بر میزان توسعه سیاسی است.



ایدا و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی تحلیلی تجربی از کاربرد رسانه‌های اجتماعی، یادگیری سیاسی و مشارکت در بین جوانان: یک مطالعه تطبیقی اندونزی و پاکستان می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که استفاده از رسانه‌های اجتماعی جوانان را برای مشارکت در فعالیت‌های سیاسی تسهیل می‌کند و این فعالیت‌ها دانش آنها را تقویت می‌کند، فرصتی برای مشارکت و ایجاد ظرفیت کارآیی سیاسی فراهم می‌کند. هوی و پیکاک (۲۰۲۰) در مقاله خود قدرت رسانه در شکل‌گیری نگرش‌های سیاسی را بررسی کردند. متغیرهای تعدیل‌کننده و واسطه‌گر، اغلب قدرت روابط بین رسانه‌ها و نگرش‌های سیاسی را تعیین می‌کنند، و علت در تعیین جهت این روابط یک نکته اساسی است.

فنگ ژو و دیگران (۲۰۱۹) در مقاله‌ای موضوع استفاده خلاق از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی در جوانان: تعدیل و نقش میانجیگری بیان سیاسی آنلاین را بررسی کردند. نتایج نشان داد که رسانه‌های خلاق اجتماعی، با مداخله کامل بیان سیاسی پیشرفته آنلاین، مشارکت سیاسی را بطور غیرمستقیم پیش‌بینی می‌کنند. یافته‌ها نقش تعدیل‌کننده بیان سیاسی آنلاین را در پیوند بین استفاده خلاقانه از رسانه‌های اجتماعی و مشارکت سیاسی نشان ندادند. یافته‌ها سهم نظری مهمی در زمینه مرتبط با استفاده از رسانه‌های اجتماعی با تعامل سیاسی دارند. اسکوریا و پارک (۲۰۱۴) به نقش فرهنگ، رسانه و شبکه‌های اجتماعی و دموکراسی، فلاوین و کین (۲۰۱۲) به رضایت از زندگی و مشارکت سیاسی، کیربیش (۲۰۱۳) به سطوح مشارکت سیاسی، فرهنگ سیاسی، سبک زندگی، سنت‌گرایی، نقش جنسیت و ارتباط بین مشارکت سیاسی و فرهنگ سیاسی اشاره دارد. الدین فامی (۲۰۰۶) متغیر سرمایه اجتماعی و آوزی و دیگران (۲۰۱۱) به فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات به عنوان عوامل توسعه سیاسی در کشورهای جنوب صحرائی آفریقا اعتقاد دارند.

اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه توسعه سیاسی توسط متخصصان علوم سیاسی انجام شده و کمتر در حوزه جامعه‌شناسی به بحث توسعه سیاسی پرداخته شده است. محقق درصدد است تا با رویکردی جامعه‌شناختی و با استفاده از متغیرهای اجتماعی مانند باورهای دینی، سرمایه اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی، اعتماد سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی به تبیین توسعه سیاسی در شهرستان بندرگز بپردازد. اکثر تحقیقات انجام شده در حوزه توسعه سیاسی توسط متخصصان علوم سیاسی انجام شده و کمتر در حوزه

1. Flavin & Keane

2 . Kirbiš

3 - Eldin famy



جامعه‌شناسی به بحث توسعه سیاسی پرداخته شده است. رابطه بین این متغیرها کمتر به صورت علمی و سیستماتیک مورد بررسی قرار گرفته و و این مزیت عمده این تحقیق نسبت به پژوهش‌های قبلی است.

مبانی نظری

نظریه‌های توسعه سیاسی را می‌توان به دو دسته نظریه‌های جامعه‌گرا و نظریه‌های دولت‌گرا تقسیم نمود. نظریه‌های جامعه‌گرا مبنای تحقق توسعه سیاسی را از پایین به بالا می‌داند که بر مدار جامعه مدنی سامان می‌یابد، اما نظریه‌های دولت‌گرا مبنای شکل‌گیری توسعه سیاسی را از بالا به پایین می‌داند که بر مدار دولت مشروع و مقتدر تعین می‌یابد. انتخاب هر یک از دو مبدا تابعی از مشخصات جامعه و دولت در جوامع گوناگون است (دبیری مهر، ۱۳۹۳: ۱۷۹). منظور از توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی است که دانشمندانی مانند رابرت دال، آیدم، دیوید اپتر و آیزنشتات، این شاخصه‌های را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰: ۱۱). دانیل لرنر و لوسین پای نیز مشارکت در انتخابات را به‌عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (بدیع، ۱۳۷۵، ۴۱ و ۷۹).

ساموئل هانتینگتون و نلسون، شرط اصلی تحقق توسعه سیاسی را مشارکت سیاسی دانسته‌اند (معینی پور، ۱۳۸۹: ۳). عده‌ای دیگر از آنان ضمن تأیید این شاخص مهم، توانایی نظام سیاسی در پاسخگویی به بحرانهای سیاسی جامعه را، شرط تحقق توسعه سیاسی قلمداد کردند. در این باره، لوسین پای معتقد بود اگر یک نظام سیاسی بتواند از بحرانهای سیاسی و اجتماعی پیش روی خود به موفقیت عبور کند، ضمن آنکه مشروعیت خود را تحکیم می‌بخشد، فرآیند تحقق توسعه سیاسی را نیز هموارتر می‌کند (پای، ۱۳۸۰: ۶۴). از دیگر شاخص‌های مورد تأکید اندیشمندان علوم سیاسی، اعتماد متقابل بین جامعه و نظام سیاسی می‌باشد. این عده از متفکران از جمله آلموند و پاول، عقیده داشتند که اگر روابط سیاسی یک جامعه مبتنی بر اعتماد بین جامعه سیاسی و نظام سیاسی باشد، فرآیند توسعه سیاسی موفقیت آمیز خواهد بود (آلموند، ۱۳۷۵: ۷۹).

منظور از توسعه سیاسی، مشارکت سیاسی شهروندان و رقابت گروهی است که دانشمندانی مانند رابرت دال، آیدم، دیوید اپتر و آیزنشتات، این شاخصه‌های را معیار توسعه سیاسی معرفی کرده‌اند (بشیریه، ۱۳۸۰، ۱۱). دانیل لرنر و لوسین پای نیز مشارکت در انتخابات را به‌عنوان شاخص مشارکت سیاسی معرفی کرده‌اند (بدیع، ۱۳۷۵، ۴۱ و ۷۹). توسعه سیاسی یکی از جنبه‌های اصلی توسعه یافتگی یک کشور محسوب می‌شود. از نظرها تینگتون مهمترین عامل توسعه سیاسی در کشورها، همانا مشارکت سیاسی است. آنان



مشارکت سیاسی را تابعی از فرایند توسعه اقتصادی و اجتماعی و تصمیمات نخبگان حاکم و سیاست‌های آنها می‌داند؛ به عبارتی، نخبگان برای تحکیم قدرت خود، تحکیم استقلال ملی، اصلاحات اجتماعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی و غیره مشارکت بخش‌هایی از جامعه را در سیاست تسهیل و تشویق می‌کنند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۶). از نظرهانتینگتون، نوسازی روندی چندی بعدی متضمن تغییر در همه عرصه‌های اندیشه و عمل انسان است، نوسازی سیاسی، تغییر نظام سیاسی را در نظر دارد و دربر گیرنده تغییرات در ساختار سیاسی، فرهنگ سیاسی و روندهای سیاسی است، نوسازی سیاسی روندی همانند توسعه سیاسی است (عالم، ۱۳۸۳: ۱۱۱-۱۱۰).

گابریل آلموند نظریه‌ای را بر حسب قابلیت‌های عملکرد سیستم‌های سیاسی تدوین کرده است که طبق آن، سیستم‌های سیاسی پس از کسب قابلیت‌های جدید در ارتباط با محیط اجتماعی و بین‌المللی خود، تغییر یا توسعه پیدا می‌کنند. هر سیستم سیاسی با چهار مشکل و چالش مواجه بوده است و یا مواجه خواهد شد که عبارتند از: حکومت‌سازی، ملت‌سازی، مشارکت و توزیع یا رفاه (معمارزاده و پاک‌طینت، ۱۳۸۵). ایشان از لحاظ رفتاری، مصلحت‌گرایی، ارجح بودن فعالیت‌های دسته‌جمعی بر فردگرایی، میزان همبستگی و میثاق با نظام سیاسی، روابط سیاسی بر مبنای اعتماد متقابل را به عنوان معیار توسعه سیاسی تلقی کرده و از نظر ساختاری بر تنوع ساختاری، فرهنگ دنیوی و سطح بالای استقلال نظام‌های فرعی تأکید می‌کنند (نظری و دیگران، ۱۳۹۲). آلموند و وربا (۱۹۷۵: ۲۱۱) بر این باورند که جوامع گوناگون را می‌توان بر پایه سه نوع فرهنگ کوتاه بینانه، ذهنی، و مشارکتی یا آمیزه‌ای از آنها شناسایی کرد؛ ویژگی فرهنگ کوتاه بینانه، شناخت اندک از حکومت است و غالباً در میان اقشار و طبقات پائین جامعه به لحاظ سطح تحصیلات، شغل و درآمد و آگاهی سیاسی دیده می‌شود.

علاوه بر این استدلال آلموند و وربا در نهایت این است که هر چقدر سه نهاد اجتماعی‌کننده یعنی خانواده، مدرسه و شغل، الگوی مشارکت قوی‌تری را نهادینه کرده باشند و فرد در درون این سه نهاد اجتماعی‌کننده مشارکت بیشتری داشته باشد، در مراحل بعدی زندگی مشارکت سیاسی بیشتری خواهد داشت و جامعه مربوط از نظر فرهنگ سیاسی به فرهنگ مشارکتی نزدیک‌تر خواهد بود (عرفانی، ۱۳۸۳: ۷۶). در این نظریه بر نقش الگوی اقتدار در بیرون از نظام سیاسی، یا به عبارتی بر یادگیری سیاسی از الگوهای حاکم بر نهادهای اجتماعی - یا تجربه‌های سازنده برآمده از موقعیت‌های نهادی - و نخبگان سیاسی و تأثیر نهادها و نخبگان بر فرهنگ سیاسی مردم بسیار تأکید می‌شود (اینگلهارت، ۱۳۷۳: ۴۷۹). آلموند و وربا از داده‌های خود نتیجه می‌گیرند که الگوی مشارکت در درون گروه‌های طبقاتی مختلف تفاوت‌های معناداری دارد و

1. Almond & Verba



کسانی که در طبقات اجتماعی بالاتر قرار دارند، مشارکت بیشتری نیز دارند. به نظر آن‌ها، یکی از دلایل قابلیت سیاسی اندک کسانی که اطلاعات و آموزش مناسبی ندارند، این است که از نظر طبقاتی در خانواده‌هایی رشد می‌کنند که در آن‌ها انتظار و توقع این که هرکس با تصمیمی مخالف است، می‌تواند مخالفت‌اش را اعلام کند، پرورش نمی‌یابد (عرفانی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). هرچه سطح مشارکت افزایش می‌یابد، نسبت افراد طبقات پایین‌تر کاهش می‌یابد (پناهی، ۱۳۸۶: ۳۳).

لئونارد بایندر توسعه سیاسی را در سه مفهوم برابری، ظرفیت و تفکیک وظایف خلاصه کرده است. بایندر معتقد است توسعه پایان‌ناپذیر است و مسیر توسعه کشورهای توسعه نیافته متفاوت و غیر قابل پیش‌بینی است (اعتباریان خوراسگانی و قلی پور مقدم، ۱۳۹۶: ۱۳۱). او معتقد است بحران‌های سیاسی که در سر راه کشورهای در حال توسعه است عبارتند از: هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع. او معتقد است که وجه تمایز کشورهای توسعه یافته صنعتی از کشورهای در حال توسعه در آن است که آنان در گذشته به طریقی موفقیت‌آمیز بحران‌های هویت، مشروعیت، مشارکت، نفوذ و توزیع به ویژه بحران‌های هویت و مشروعیت را پشت سر نهاده‌اند (سیف زاده، ۱۳۶۸).

آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخشها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد (مهدی‌خانی، ۱۳۸۰: ۱۸۳). آیزنشتات توسعه سیاسی را به ساختارسیاسی تنوع یافته و تخصصی شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هر اندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هر کدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (آیزنشتات، ۱۹۶۴). آلفرد دیامنت نیز توسعه سیاسی را در عمده‌ترین شکل خود روندی می‌داند که به وسیله آن یک نظام سیاسی، قابلیت حفظ و تحمل موفقیت‌آمیز و مداوم انواع جدید اهداف و تقاضاها و ایجاد انواع جدید سازمان‌ها را به دست می‌آورد و آن را افزایش می‌دهد. وی می‌گوید برای اینکه این روند تداوم یابد به ساختار سیاسی مستقل و متمرکز نیاز است (امین زاده، ۱۳۷۶).

هانتینگتون ۱ مفهوم توسعه سیاسی را بر اساس میزان صنعتی شدن، تحرک و تجهیز اجتماعی، رشد اقتصادی و مشارکت سیاسی ارزیابی کرده و بر این اعتقاد است که از آنجا که در فرایند توسعه سیاسی تقاضاهای جدیدی به صورت مشارکت و ایفای نقش‌های جدیدتر ظهور می‌کنند، لذا نظام سیاسی باید از ظرفیت و توانایی‌های لازم برای تغییر وضعیت برخوردار باشد، در غیر این صورت، نظام با بی‌ثباتی و

1. Huntington



هرج و مرج، اقتدارگرایی و زوال سیاسی مواجه خواهد شد (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۱۱-۱۲) و امکان دارد جامعه به این نابسامانی‌ها به شکل انقلاب برخورد کند (قوام، ۱۳۸۲: ۱۶). افزایش مشارکت سیاسی و اجتماعی به مفهوم افزایش سهم افراد در فراگرد توسعه جامعه است.

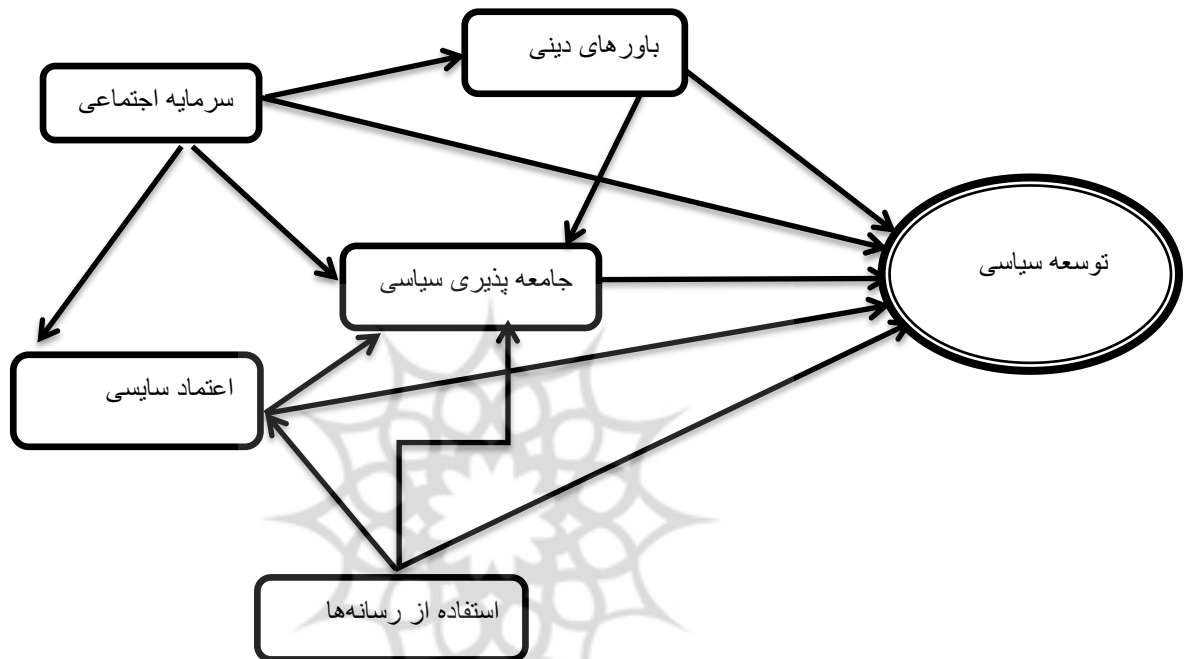
هانتینگتون معتقد است؛ بین گسترش فرصت‌های تحرک اجتماعی فردی و مشارکت سیاسی در کوتاه مدت رابطه معکوس وجود دارد و چنانچه افرادی بتوانند با استفاده از بالا بردن سطح تحصیلات، انتقال به شغل پرمزالت تر یا کسب درآمد بیشتر به اهداف موردنظر خود که همان بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی خود است، دست یابند، معمولاً از مشارکت در سیاست و فعالیت اجتماعی صرف‌نظر می‌نمایند (ربیعی، ۱۳۸۰: ۷۵-۷۴). از نظر هانتینگتون هر اندازه یک نظام سیاسی از سادگی به پیچیدگی، از وابستگی به استقلال، از انعطاف‌ناپذیری به انعطاف‌پذیری و از پراکندگی به یگانگی گرایش پیدا کند، به همان نسبت به میزان توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد (نظری و دیگران، ۱۳۹۲). هانتینگتون نیز مانند جگورایب معتقد است ثبات هر حکومت در رابطه مناسب و تعادل بین نهادهای مختلف مشارکت سیاسی است. ثبات سیاسی زمانی به وجود می‌آید که با افزایش مشارکت سیاسی، مسائلی از قبیل پیچیدگی، استقلال، سازگاری و انسجام نهادهای سیاسی جامعه افزایش یابد. گسترش مشارکت سیاسی باید با ایجاد نهادهای قوی، پیچیده و مستقل همراه باشد.

لوسین پای توسعه سیاسی را افزایش ظرفیت نظام در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی می‌داند (قوام، ۱۳۷۱: ۹-۱۰). پای بر این نظر است که، برای تحقق توسعه مطلوب یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران‌ها به صورت موفقیت‌آمیز عبور کند. وی تقدم و تاخیر را برای مقابله با بحران در نظر نمی‌گیرد؛ زیرا شرایط اجتماعی و سیاسی جوامع گوناگون از لحاظ قرار گرفتن در مسیر هریک از این بحران‌ها متفاوت است. وی سه ویژگی مهم مفهوم توسعه سیاسی شامل برابری، ظرفیت و تغییر تدریجی است. «آلبرت بندورا» در دیدگاه نظری که مطرح کرده است کنش سیاسی را متأثر از یک عامل فردی تحت عنوان «اعتماد به نفس» و یک ساختار به عنوان «اعتماد به محیط سیاسی» می‌داند. اعتماد سیاسی فرآیندی است مرکب از اعتماد به دولت و اعتماد به نفس سیاسی» (ربیعی، ۱۳۸۰: ۴۰).

در این پژوهش متغیرهای باورهای دینی، سرمایه اجتماعی، رسانه‌های ارتباط جمعی، پایگاه اقتصادی اجتماعی، اعتماد سیاسی و جامعه‌پذیری سیاسی به عنوان متغیر مستقل و متغیر توسعه سیاسی به عنوان متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. در این مدل متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته توسعه سیاسی به



صورت مستقیم یا غیرمستقیم تأثیر می‌گذارند. در ارائه فرضیات این تحقیق از نظریات مختلفی در حوزه توسعه سیاسی استفاده شده است که می‌توان به نظرات هانتینگتون، پارسونز و دیگران اشاره کرد.



شکل ۱: مدل نظری تحقیق

فرضیه‌ها

به نظر می‌رسد بین باورهای دینی و توسعه سیاسی در شهرستان بندرگز رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

به نظر می‌رسد بین جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.



روش تحقیق

روش تحقیق از نوع کمی و روش جمع‌آوری از نوع پیمایشی است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه است. این روش اجازه می‌دهد تا درباره جمعیت آماری، اطلاعات یکنواختی به دست آورده و امکان مقایسه و مشاهده درست متغیرها را داشت. جامعه آماری تحقیق حاضر کلیه افراد بالای ۱۸ ساله شهرستان بندرگز می‌باشند که تعداد آنان برابر با گزارش مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۵ حدود ۳۶۷۸۵ نفر اظهار شده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). حدود ۱۸۳۷۲ نفر مرد و ۱۸۴۱۳ نفر زن هستند. همچنین تعداد ۲۱۹۰۱ نفر (۵۹/۵ درصد) در نقاط شهری (شهرهای بندرگز و نوکنده) و تعداد ۱۴۸۸۴ نفر (۴۰/۵ درصد) در مناطق روستایی ساکن هستند. حجم نمونه پس از محاسبه با استفاده از فرمول کوکران، با توجه به خطای نمونه-گیری ۰/۰۵ و سطح اطمینان ۰/۹۵ با آماره مجذور کای برای یک درجه آزادی، مقدار حجم نمونه ۳۸۰ نفر به دست آمد.

$$n = \frac{Nt^2 pq}{(N-1)d^2 + t^2 p.q}$$

$$n = \frac{36785 \times (1/96)^2 \times (0/5)(0/5)}{(36785-1)(0/05)^2 + (1/96)^2 (0/5)(0/5)} = \frac{35329}{93} = 380$$

روش نمونه‌گیری در نقاط شهری و نقاط روستایی شهرستان بندرگز بصورت تصادفی از نوع خوشه‌ای چندمرحله‌ای است. برای بررسی اعتبار پرسشنامه از روش اعتبار صوری و محتوایی استفاده شد. پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ بدست آمد. به این طریق که پرسشنامه در اختیار ۳۰ نفر از افراد بالای ۱۸ ساله شهرستان بندرگز قرار گرفت. مقدار آلفای کرونباخ متغیرهای مستقل و وابسته بین ۰/۷۳۲ تا ۰/۸۷۷ می‌باشد و نشانگر آن است که همبستگی و همسازی درونی بین گویه‌های مربوط به متغیرها مناسب و قابل قبول می‌باشد. به عبارت دیگر از پایایی و قابلیت اعتماد برخوردار است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ متغیر مستقل میزان جامعه‌پذیری سیاسی برابر با ۰/۷۳۲ بوده و مقدار ضریب آلفای کرونباخ میزان توسعه سیاسی برابر با ۰/۷۹۰ می‌باشد که در حد بسیار بالایی است و گویه‌های آن توانسته‌اند از همسازی درونی لازم برخوردار باشند. مقدار آزمون کولموگورف اسمیرنوف متغیر توسعه سیاسی برابر با ۰/۶۷۳ و سطح معناداری آن برابر با ۰/۷۵ است. از آنجایی که مقدار معناداری کلیه متغیرها بالاتر از ۰/۰۵ می‌باشد، لذا پراکندگی داده‌ها نرمال بوده و برای آزمون فرضیه‌ها از آماره‌های استنباطی پارامتریک استفاده شد.



جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ (پایایی) و نرمال بودن متغیرها

متغیرها	ضریب آلفای کرونباخ	آزمون کولموگوروف سمینوف	سطح معناداری
سرمایه اجتماعی	۰/۷۶۵	۰/۵۴۲	۰/۹۳
دینداری	۰/۸۷۷	۰/۷۷۴	۰/۶۹
توسعه سیاسی	۰/۷۹۰	۰/۶۷۳	۰/۷۵
رسانه‌های ارتباط جمعی	۰/۸۱۴	۱/۱۴	۰/۱۴
جامعه پذیری سیاسی	۰/۷۳۲	۰/۷۱۵	۰/۷۰
اعتماد سیاسی	۰/۸۲۹	۰/۸۲۹	۰/۵۹

سنجش متغیرها (تعریف نظری و عملیاتی متغیرها)

دینداری: دینداری یا التزام دینی مفهومی است که به پذیرش این اعتقادات و انجام اعمال خاص و به طور کلی تبعیت از دستورهای دین و مجری آنها بودن اشاره دارد. این التزام در مجموعه ای از اعتقادات، احساسات و اعمال فردی و جمعی که حول خداوند و رابطه ایمانی با او دور می زند، سامان می پذیرد (موسوی: ۱۳۸۸، ۱۷۹). دینداری در این تحقیق بر مبنای مقیاس گلاک و استارک و شامل چهار بعد اعتقادی ۱، بعد پیامدی ۲، بعد تجربی ۳ و بعد مناسکی ۴ است.

اعتماد سیاسی: اعتماد سیاسی شکلی از حمایت از رژیم سیاسی و صاحبان اقتدار سیاسی است. اعتماد سیاسی، یعنی احتمال کسب نتایج مطلوب بدون این که گروه از مردم برای وقوع آن کاری صورت بدهند (احتمال انجام امور مطلوب مردم به وسیله دولت بدون این که نیازی به دخالت مستقیم آنها باشد) (زاهدی، ۱۳۹۰: ۷۷). میزان اعتماد به نظام سیاسی، نوع نگرش پاسخگویان به اصل و اساس نظام، حمایت از آن، چگونگی حمایت از عملکرد سیستم سیاسی و قواعد و قوانین حاکم بر آن می باشد

1 Ideological

2 Consequential

3 Experimental

4 Ritual



(شایگان، ۱۳۸۷: ۱۶۴). در تعریف عملیاتی اعتماد سیاسی اعتماد به کنشگران سیاسی و اعتماد به نهادهای سیاسی مدنظر است.

جامعه‌پذیری سیاسی: روندی است که فرد در آن، با وظایف، حقوق و نقشهای سیاسی خود در جامعه آشنا می‌شود. در این فرایند «فرهنگ سیاسی جامعه» از نسلی به نسل دیگر، یا از نهادی به گروههای مختلف جامعه انتقال می‌یابد. متغیر جامعه‌پذیری از طریق شاخصها و مولفه‌های زیر عملیاتی شده است: اعتماد کردن به دیگران، همکاری کردن، داشتن نظم و انضباط در زندگی، یادگیری هنجارهای جامعه، احترام گذاشتن به بزرگترها، افزایش یادگیری دانش و مهارتها، مشورت اعضا در درون خانواده در مورد مسائل سیاسی، اظهار نظر کردن در مورد مسائل سیاسی در خانه، احترام اعضا به یکدیگر در خانواده به ویژه در حوزه عقاید سیاسی، پیگیری مسائل سیاسی در خانواده، حضور خانوادگی در صحنه‌های سیاسی.

توسعه سیاسی: توسعه سیاسی در اصطلاح به معنای افزایش ظرفیت و کارایی یک نظام سیاسی در حل و فصل تضادهای منافع فردی و جمعی، ترکیب مردمی بودن، آزادی و تغییرات اساسی در یک جامعه است (بشیریه، ۱۳۸۱: ۲۱۰). متغیر وابسته توسعه سیاسی با مولفه‌هایی مانند مشارکت سیاسی، آزادی سیاسی، برابری سیاسی، قابل سنجش است.

سرمایه اجتماعی ۱: وجوه گوناگون سازمانهای اجتماعی نظیر اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها است که می‌تواند با ایجاد و تسهیل امکانات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشد (پاتنام، ۱۳۸۰؛ ۲۸۵). از نظر بوردیو، جمع منابع واقعی یا بالقوه‌ای است که حاصل شبکه‌ای بادوام از روابط کمابیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل - یا به بیان دیگر، با عضویت در یک شبکه گروه - است (بوردیو، ۱۳۸۴: ۱۴۷). این متغیر با مولفه‌هایی مانند اعتماد اجتماعی، میزان آگاهی، شبکه‌های اجتماعی، نهادینه و قاعده‌مندسازی ارزشها و هنجارها سنجیده می‌شود. در پژوهش حاضر با در نظر گرفتن نظریه پاتنام، دو بعد شناختی و ساختاری برای سنجش سرمایه اجتماعی در نظر گرفته شده است.

سرمایه اجتماعی ساختاری: سرمایه است که سبب تسهیل در تبادل اطلاعات، کنش جمعی و تصمیم‌گیر می‌شود. این نوع سرمایه اجتماعی ناشی از وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی قوی بوده و نسبتاً عینی و قابل مشاهده است (شارع پور، ۱۳۸۵: ۱۶۷) و یا به عبارتی شامل ترکیب و شیوه عمل نهادهای محلی در سطح رسمی و غیر رسمی است که به عنوان وسیله‌ای برای توسعه اجتماع عمل می‌-

1 - Social Capital



کند. بعد ساختاری سرمایه اجتماعی نشانگر جنبه کمی سرمایه اجتماعی است که ناشی از وجود انجمن‌ها و شبکه‌های اجتماعی قوی بوده و نسبتاً عینی و قابل مشاهده می‌باشد (شارع پور، ۱۳۸۵، ۱۶۷). در واقع، این بخش از سرمایه اجتماعی حکایت از آن دارد که افراد در فضای اجتماعی با یکدیگر پیوند دارند.

سرمایه اجتماعی شناختی: بعد شناختی سرمایه اجتماعی بیانگر جنبه کیفی سرمایه اجتماعی می‌باشد که به هنجارها، ارزش‌های مشترک و اعتماد اشاره دارد و به همین جهت امری ذهنی و نامحسوس است (شارع پور، ۱۳۸۵، ۱۶۸). این بعد ناظر به ارزشها، اعتماد، گرایشها و عقاید مشترک باز می‌گردد. به همین خاطر بیشتر امری ذهنی و مفهومی نامحسوس است. بعد شناختی در واقع به شناخت افراد نسبت به دیگران مربوط می‌شود. به عنوان مثال، اعتماد یک فرد نسبت به همکارانش حاکی از شناخت او از ایشان می‌باشد. سرمایه‌ای است که از طریق همین امور، همکاری و فعالیتهای جمعی دارای منافع متقابل را ترغیب می‌کند (حسینی، ۱۳۸۴: ۱۷).

رسانه‌های ارتباط جمعی: به معنای میزان استفاده از رسانه‌هاست که در این تحقیق، محدود به رسانه‌های جمعی شده است (شکریگی، ۱۳۹۰: ۱۴۶). به تمام اشکال ارتباط نوشتاری، از قبیل روزنامه‌ها، مجلات، کتاب‌ها و همه گونه‌های ارتباطات پخش، از قبیل رادیو، تلویزیون و سینما و غیره که برای عموم مردم هستند گفته می‌شود (مور، ۱۳۸۲: ۶۳). برای سنجش مصرف رسانه‌ای، میزان استفاده از رسانه‌هایی مانند روزنامه، مجله، اینترنت و ماهواره در قالب طیف لیکرت سنجیده شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان داد که ۴۵/۱ درصد مرد و ۵۴/۹ درصد زن می‌باشند. بنابراین، جنسیت اکثریت زن (۲۰۹ نفر معادل ۵۴/۹ درصد) است. حدود ۲۱.۸ درصد بین ۱۵ تا ۲۴ سال، ۲۵.۸ درصد بین ۲۵ تا ۳۴ سال، ۱۸.۷ درصد بین ۳۵ تا ۴۴ سال، حدود ۱۱.۶ درصد بیش از ۵۵ ساله و حدود ۱۷.۱ درصد بین ۴۵ تا ۵۴ ساله هستند و ۵ درصد نیز سن خود را مشخص نکرده‌اند. بنابراین، سن اکثریت بین ۲۵ تا ۳۴ سال (۹۸ نفر معادل ۲۵.۸ درصد) است. حدود ۱۴/۷ درصد کمتر از دیپلم، تقریباً ۱۱/۳ درصد کاردانی، ۴۷/۰ درصد کارشناسی و در نهایت ۲۷ درصد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. بنابراین، سطح تحصیلات اکثریت کارشناسی (۱۷۹ نفر معادل ۴۷/۰ درصد) می‌باشد. حدود ۴۸ درصد از پاسخگویان میزان درآمد خانواده را درآمدهای بین ۱.۵ تا ۲.۵ میلیون عنوان نموده‌اند. این طبقه به علاوه افرادی که بین ۲.۵ تا ۳.۵ میلیون درآمد دارند و ۱۳.۷ درصد (۵۲ نفر) هستند، جمعا طبقه متوسط محسوب می‌شوند. و لذا بیشتر افراد



از نظر درآمدی جزء طبقات متوسط محسوب می‌شوند. حدود ۴۰۲ درصد بیش از ۵.۵ میلیون تومان در ماه درآمد دارند. حدود ۲۵.۸ درصد از افراد مورد مطالعه مجرد می‌باشند و ۶۸.۹ درصد از متاهل بوده‌اند و حدود ۵.۳ درصد هم مطلقه یا همسر فوت شده می‌باشند. بررسی نحوه تصرف مسکن نشان می‌دهد که اکثر افراد (۷۷.۱ درصد) دارای مسکن شخصی بوده، حدود ۶.۳ درصد در منازل سازمانی و ۱۲.۹ درصد نیز در منازل استیجاری ساکن می‌باشند.

جدول شماره ۲ نشان می‌دهد بعد اعتقادی دینداری که به باورهای دینی بر می‌گردد با ۳۰/۴ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد تجربی دینداری که به عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی هم چون خدا بر می‌گردد با ۷۱/۸ درصد در پاسخگویان ضعیف است. همچنین بعد پیامدی دینداری که به باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با سایرین بر می‌گردد با ۷۱/۳ درصد در پاسخگویان ضعیف است. لیکن بعد مناسکی که عبادات و اعمال مشخصی است که دین اسلام به پیروان خود توصیه اکید و واجب برای انجام آن دارد با ۶۴/۲ درصد نسبت به سایر ابعاد قوی است. در مجموع میزان دینداری در حد متوسطی است و بعد مناسکی دینداری دارای بالاترین میانگین است اما بعد پیامدی از کمترین میانگین برخوردار می‌باشد.

جدول ۲: توزیع درصد شاخص‌های میزان دینداری پاسخگویان

ابعاد دینداری	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
اعتقادی	۳۰/۴	۲۹/۶	۴۰/۰	۱/۹۰
تجربی	۷۱/۸	۱۴/۴	۱۳/۸	۱/۳۵
مناسکی	۱۸/۹	۱۶/۹	۶۴/۲	۲/۴۶
پیامدی	۷۱/۳	۲۰/۰	۸/۷	۱/۲۸
میزان دینداری	۴۷/۷	۲۱/۲	۳۱/۱	۱/۶۵

جدول شماره ۳ نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با ۸۷/۳ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد نهادهای سیاسی با ۶۹/۹ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد نظام سیاسی با ۷۸/۶ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین مقادیر میانگین هر یک از ابعاد اعتماد سیاسی نشان می‌دهد بعد کنشگران سیاسی با میانگین ۲/۸۷ بیشترین میانگین و بعد نهادهای سیاسی با میانگین ۱/۲۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد اعتماد سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر اعتماد سیاسی برابر با ۲/۲۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.



جدول ۳: توزیع پاسخگویان بر حسب شاخص‌های میزان اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی

اعتماد و توسعه سیاسی	ضعیف	متوسط	قوی	میانگین از ۳
کنشگران سیاسی	۴.۳	۸.۵	۸۷.۳	۲.۸۷
نهادهای سیاسی	۶۹.۹	۱۸	۱۲.۱	۱.۲۶
نظام سیاسی	۶.۲	۱۵.۲	۷۸.۶	۲.۷۳
اعتماد سیاسی	۲۸.۲	۱۳.۵	۵۸.۳	۲.۲۱
مشارکت سیاسی	۳۰/۷	۳۲/۲	۳۷/۱	۲.۳۱
آزادی سیاسی	۴۸/۳	۱۷/۱	۳۴/۶	۱.۷۶
برابری سیاسی	۳۷/۶	۳۴/۶	۲۷/۸	۲.۱۲
توسعه سیاسی	۱۶/۶	۵۴/۱	۲۹/۳	۲.۰۱

یافته‌ها نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با ۳۷/۱ درصد در پاسخگویان قوی است. همچنین بعد برابری سیاسی با ۲۷/۸ درصد در پاسخگویان نسبت به سایر ابعاد ضعیف‌تر است. همچنین بعد آزادی سیاسی با ۳۴/۶ درصد در پاسخگویان نسبتاً قوی است. همچنین مقادیر میانگین هر یک از ابعاد توسعه سیاسی نشان می‌دهد بعد مشارکت سیاسی با میانگین ۲/۳۱۸۷ بیشترین میانگین و بعد آزادی سیاسی با میانگین ۱/۷۶ کمترین میانگین را در بین ابعاد توسعه سیاسی دارا می‌باشند. همچنین میانگین متغیر توسعه سیاسی برابر با ۲/۰۱ است که عددی بالاتر از حد متوسط می‌باشد.

جدول شماره ۴: توزیع پاسخگویان بر حسب میزان جامعه‌پذیری سیاسی

انحراف معیار	میانگین	میزان جامعه‌پذیری سیاسی						گویه‌ها
		موافقم		نظری ندارم		مخالفم		
		درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۰/۷۹	۱/۷۵	۲۲	۴۵	۳۰/۷	۶۳	۴۷/۳	۹۷	در خانواده‌ام درباره امور سیاسی و حکومتی بحث و گفتگو می‌شود.
۰/۷۳	۱/۵۹	۱۴/۶	۳۰	۲۹/۸	۶۱	۵۵/۶	۱۱۴	خانواده ام از مسائل سیاسی متنفرند



۰/۶۳	۱/۳۰	۹/۳	۱۹	۱۱/۷	۲۴	۷۹	۱۶۲	خانواده‌ام با حزب سیاسی همکاری داشته است
۰/۷۳	۱/۵۸۱	۱۴/۱	۲۹	۲۹/۸	۶۱	۵۶/۱	۱۱۵	خانواده‌ام مسائل سیاسی را بیهوده می‌دانند
۰/۸۳	۲/۱۰	۴۰	۸۲	۳۰/۲	۶۲	۲۹/۸	۶۱	احساس آزادی در هنگام حرف زدن با دیگران داریم.
۰/۷۸	۲/۳۷	۵۵/۱	۱۱۳	۲۶/۳	۵۴	۱۸/۵	۳۸	احساس می‌کنم که در جامعه به من به عنوان یک شخص احترام می‌گذارند.
۰/۷۷	۱/۶۸	۱۸/۵	۳۸	۳۰/۷	۶۳	۵۰/۷	۱۰۴	چقدر با همکاران خود درباره امور سیاسی و حکومتی بحث داشته‌اید؟
۰/۷۷	۱/۸۹	۲۴/۴	۵۰	۴۰	۸۲	۳۵/۶	۷۳	در مسائل مختلف نظراتم به عنوان یک شهروند مورد توجه قرار می‌گیرد.
۰/۷۸	۲/۲۶	۴۶/۳	۹۵	۳۳/۲	۶۸	۲۰/۵	۴۲	به عقاید سیاسی دوستانم احترام می‌گذارم.
۰/۷۸	۱/۷۶	۲۱/۵	۴۴	۳۳/۲	۶۸	۴۵/۴	۹۳	دانش و مهارت‌های سیاسی را خانواده‌ام یاد گرفته‌ام.
	۱/۸۳							جمع

داده‌های موجود در جدول ۴ نشان می‌دهد که میزان جامعه‌پذیری سیاسی در بین پاسخگویان به نسبت پایین و تقریباً در حد متوسط (۱/۸۳) است. بیشترین فراوانی مربوط به گویه شماره سه (خانواده‌ام با حزب سیاسی همکاری داشته است) می‌باشد که ۷۹ درصد از پاسخگویان با آن مخالف می‌باشند. کمترین میزان فراوانی مربوط به گویه شماره شش (احساس می‌کنم که دیگران به من به عنوان یک شخص احترام می‌گذارند) می‌باشد که ۱۸/۵ درصد از پاسخگویان با آن مخالف می‌باشند.



جدول ۵: توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان سرمایه اجتماعی و استفاده رسانه‌های ارتباط جمعی

استفاده رسانه‌های ارتباط جمعی		سرمایه اجتماعی		میزان
درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	
۱۵.۵	۵۹	۱۰.۸	۴۱	خیلی زیاد
۲۴.۲	۹۲	۲۲.۹	۸۷	زیاد
۲۹.۵	۱۱۲	۱۱.۶	۴۴	متوسط
۱۱.۸	۴۵	۲۷.۹	۱۰۶	کم
۱۸.۹	۷۲	۱۹.۵	۷۴	خیلی کم
۰	۰	۷.۴	۲۸	بی پاسخ
۱۰۰	۳۸۰	۱۰۰	۳۸۰	کل

ملاحظه می‌گردد که ۱۱.۸ درصد افراد به میزان کمی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می‌کنند. حدود ۲۹.۵ درصد در حد متوسط و ۲۴.۲ درصد در حد زیادی از رسانه‌های ارتباط جمعی استفاده می‌کنند.

یکی از متغیرهای اصلی این پژوهش، متغیر سرمایه اجتماعی است. با توجه به نتایج جدول فوق، ۱۰/۸ درصد از افراد از سرمایه اجتماعی خیلی بالایی برخوردار بوده‌اند، ۲۲/۹ درصد در حد زیاد، ۱۱/۶ درصد از افراد از سرمایه اجتماعی متوسطی برخوردار بودند، همچنین حدود ۲۷/۹ درصد سرمایه اجتماعی شان کم بوده و ۱۹/۵ درصدشان سرمایه اجتماعی شان خیلی کم بوده است.



جدول ۶: توصیف میانگین ابعاد سرمایه اجتماعی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	خطای استاندارد	واریانس	میان
سرمایه اجتماعی	۲/۷۷	۱/۳۲	۰/۲۲۸	۱/۸۲	۲
سرمایه اجتماعی شناختی	۲/۹۴	۱/۳۰	۰/۲۹۴	۱/۶۹	۲
سرمایه اجتماعی ساختاری	۳/۲۸	۱/۳۳	۰/۲۲۳	۱/۷۷	۴
اعتماد بین فردی	۳/۶۳	۱/۰۹	۰/۱۸۳	۱/۲۰	۳
اعتماد تعمیم یافته	۳/۶۶	۱/۰۹	۰/۱۸۲	۱/۲۰	۴
اعتماد نهادی	۳/۱۸	۱/۱۵	۰/۱۸۸	۱/۳۴	۳
مشارکت رسمی	۳/۵۲	۱/۳۷	۰/۲۲۲	۱/۸۷	۵
مشارکت غیر رسمی	۳/۴۲	۱/۴۶	۰/۲۳۷	۲/۱۴	۵

میانگین نمرات متغیر سرمایه اجتماعی، کمتر از میانگین نظری ۳ و برابر با مقدار ۲/۷۷ گردیده است، بنابراین سرمایه اجتماعی کمتر از حد متوسط می‌باشد. همچنین در میان ابعاد سرمایه اجتماعی به ترتیب میانگین ابعاد اعتماد تعمیم یافته، اعتماد شخصی، مشارکت رسمی، مشارکت غیر رسمی و اعتماد نهادی به میزان ۳/۶۶، ۳/۶۳، ۳/۵۲، ۳/۴۲ و ۳/۱۸ می‌باشد که در این میان بیشینه مقدار میانگین شامل بعد اعتماد تعمیم یافته و کمینه مقدار میانگین شامل بعد اعتماد نهادی گردیده است. میانگین بعد سرمایه ساختاری به مقدار ۳/۲۸ بوده که بالاتر از حد متوسط بوده ولی میانگین بعد شناختی کمتر از حد متوسط، به میزان ۲/۹۴ گردیده است.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا، رابطه هر یک از متغیرهای مستقل به طور جداگانه با توسعه سیاسی سنجیده می‌شود، تا چگونگی رابطه آنها روشن شود. با توجه به سطح سنجش و آزمون نرمال بودن داده‌ها در متغیرهای دینداری و توسعه سیاسی، از ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید. یافته‌ها گویای این است که بین دو متغیر همبستگی معناداری وجود دارد و آماره آزمون، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه



را ۰/۲۷۸ ارزیابی کرده است. رابطه بین دینداری و توسعه سیاسی مستقیم و مثبت می باشد. بدین صورت که هر چه میزان دینداری بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی در بندر گز بیشتر می شود.

بین بعد اعتقادی دینداری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد. شدت ضریب همبستگی این رابطه ۰/۲۵۷ است. بین بعد تجربی دینداری و توسعه سیاسی افراد رابطه معناداری وجود دارد، شدت (ضریب همبستگی) این رابطه را ۰/۱۷۷ ارزیابی شد. همچنین بین ابعاد مناسکی و پیامدی دینداری با توسعه سیاسی رابطه مثبت و معناداری قابل مشاهده است.

جدول ۷: ضریب همبستگی پیرسون بین میزان دینداری و توسعه سیاسی

متغیرها و ابعاد آن	ضریب همبستگی پیرسون	سطح معناداری
میزان دینداری	۰/۲۷۸	۰.۰۰۰
اعتقادی	۰/۲۵۷	۰.۰۰۰
تجربی	۰/۱۷۷	۰.۰۰۱
پیامدی	۰/۲۲۵	۰.۰۰۰
مناسکی	۰/۳۷۳	۰.۰۰۰

سطح معناداری آزمون همبستگی پیرسون صفر بوده که کمتر از ۰/۰۵ گردیده است، بنابراین بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی رابطه معنادار وجود دارد. همچنین بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی همبستگی متوسطی به میزان ۰/۴۵ و در جهت مثبت (با ۰/۹۹ اطمینان و ۰/۰۱ خطا) وجود دارد، بنابراین می توان نتیجه گرفت که با افزایش سرمایه اجتماعی در بین ساکنین شهرستان بندر گز، میزان توسعه سیاسی در شهرستان آنان افزایش می یابد. با توجه به نتایج جدول توسعه سیاسی با ابعاد سرمایه اجتماعی؛ یعنی سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری رابطه معنادار دارد.



جدول ۸: آزمون ضریب همبستگی پیرسون سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی

متغیر	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی شناختی	سرمایه اجتماعی ساختاری
مقدار آماره پیرسون	۰/۴۵**	۰/۵۷**	۰/۳۷*
سطح معنی داری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۲
حجم نمونه	۳۸۰	۳۸۰	۳۸۰
نتیجه	همبستگی مثبت و معنادار	همبستگی مثبت و معنادار	همبستگی مثبت و معنادار

یکی دیگر از فرضیه‌ها این است که بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد. اعتماد سیاسی دارای سه مولفه است. بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی رابطه معناداری وجود دارد و شدت همبستگی ۰/۳۲۴ است. مثبت بودن ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت این دو مولفه است. یعنی هر چه میزان اعتماد سیاسی بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. بین مولفه‌های اعتماد سیاسی با توسعه سیاسی نیز ارتباط مثبت و معناداری مشاهده شد.

جدول ۹: ضریب همبستگی پیرسون بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی

متغیر	حجم نمونه	ضریب همبستگی	سطح معناداری
اعتماد به کنشگران	۳۸۰	۰.۲۶۹	۰.۰۰۰
اعتماد به نهادهای سیاسی	۳۸۰	۰.۱۷۱	۰.۰۰۱
اعتماد به نظام سیاسی	۳۸۰	۰.۴۰۹	۰.۰۰۰
اعتماد سیاسی	۳۸۰	۰.۳۲۴	۰.۰۰۰

نتایج نشان داد بین میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی رابطه وجود دارد. از طرفی این رابطه (ضریب همبستگی پیرسون) که برابر با ۰.۲۹۸ درصد است، به صورت مثبت و مستقیم می‌باشد و موید این نکته است که هرچه میزان استفاده از وسایل ارتباط جمعی افزایش یابد سطح توسعه سیاسی کاهش می‌یابد. ضریب همبستگی بدست آمده رابطه ضعیف بین دو متغیر را نشان می‌دهد.



ضریب همبستگی اسپیرمن بین پایگاه اقتصادی اجتماعی و توسعه سیاسی برابر با $0/256$ است، که به صورت مثبت و مستقیم و ضعیف می‌باشد. هرچه پایگاه اقتصادی اجتماعی افزایش یابد سطح توسعه سیاسی کاهش می‌یابد.

ضریب همبستگی جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی برابر با $0/223$ است مثبت بودن ضریب همبستگی بیانگر رابطه مستقیم و مثبت این دو مولفه است. یعنی هر چه میزان جامعه‌پذیری سیاسی بیشتر شود، میزان توسعه سیاسی بیشتر می‌شود. از آنجایی که مقدار ضریب همبستگی پیرسون از $0/5$ پایین‌تر می‌باشد، لذا این همبستگی نسبتاً ضعیف می‌باشد.

جدول ۱۰: ضریب همبستگی بین متغیرها و توسعه سیاسی

نتیجه آزمون	سطح معناداری	مقدار ضریب همبستگی	متغیر
همبستگی مستقیم و مثبت معنادار	$0/001$	$0/223$	جامعه‌پذیری سیاسی
همبستگی مستقیم و مثبت معنادار	$0/000$	$0/298$	استفاده از وسایل ارتباط جمعی
همبستگی مستقیم و مثبت معنادار	$0/000$	$0/256$	پایگاه اقتصادی اجتماعی

برای فهم تاثیر همزمان متغیرهای مختلف بر متغیر وابسته، از رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. مقدار ضریب همبستگی چندگانه برابر با $0/637$ بوده که نشان دهنده رابطه در حد متوسط بین عوامل اجتماعی و میزان توسعه سیاسی است. مقدار ضریب تعیین برابر با $0/405$ است. یعنی حدود 40% درصد از تغییرات میزان توسعه سیاسی به این عوامل اجتماعی بستگی دارد. نتایج آزمون دوربین واتسون نشانگر استقلال داده‌ها از یکدیگر بوده است. مقادیر ضرایب رگرسیونی نشان می‌دهد که همه متغیرهای اجتماعی در سطح بیش از 99% درصد معنادار است. به ازای هر واحد تغییر در میزان سرمایه اجتماعی، حدود $0/195$ واحد در میزان توسعه سیاسی تغییر به وجود می‌آید. بر اساس مقادیر بتا می‌توان گفت که متغیر دینداری کمترین و اعتماد سیاسی بیشترین اثر را بر توسعه سیاسی دارند. نتایج رگرسیون چندمتغیره و مقدار آزمون آنالیز واریانس نیز بیان کننده وجود همبستگی و ارتباط معنادار بین متغیرهای اجتماعی و میزان توسعه است. آزمون‌های تولرانس و شاخص VIF نیز نشان می‌دهند که متغیرها از هم خطی لازم برخوردار هستند.



جدول ۱۱: نتایج تحلیل رگرسیونی میزان توسعه سیاسی

آزمون هم خطی		آزمون T		ضرایب رگرسیونی		متغیر
VIF	Tolerance	Sig	T	Beta	B	
		./۰۰۰	۳/۴۲		۲/۰۹۸	مقدار ثابت
۱/۲۲۱	./۸۱۲	./۰۰۰	۴/۲۵۵	./۱۹۵	./۲۶۳	سرمایه اجتماعی
۱/۲۳۲	./۸۳۲	./۰۰۰	۳/۷۵۹	./۱۵۷	./۳۴۳	دینداری
۱/۳۰۱	./۸۵۷	./۰۰۰	۵/۷۹۸	./۲۵۰	./۴۸۵	رسانه‌های ارتباط جمعی
۱/۸۷	./۹۰۵	./۰۰۰	۶/۵۵	./۳۶۴	./۷۸۵	جامعه‌پذیری سیاسی
۱/۶۰	./۷۳۴	./۰۰۰	۷/۱۶۳	./۴۴۹	./۳۳۶	اعتماد سیاسی
		تعدیل شده مجذور R		مجذور R	R	خلاصه مدل
		./۳۹۹		./۴۰۵	./۶۳۷	
		دوربین واتسون		Sig	F	ANOVA
		۲/۰۸		./۰۰۰	۵۹/۶۶	

بحث و نتیجه‌گیری

توسعه سیاسی می‌تواند از عوامل مختلفی تأثیر بپذیرد. در این بین به نقش عواملی چون باورهای دینی، اعتماد سیاسی، جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی اشاره شد. قاعدتاً در جوامعی که میزان سرمایه اجتماعی بیشتر باشد، روحیه مشارکت سیاسی و همچنین توسعه سیاسی آن افزایش می‌یابد. در شهرستان بندر گز نیز رابطه مثبت بین عواملی مانند جامعه‌پذیری سیاسی و سرمایه اجتماعی با توسعه سیاسی مشاهده شده است. همچنین دینداری می‌تواند بر توسعه سیاسی افراد تأثیرگذار باشد. نتایج این تحقیق مشابه تحقیقات اونیل (۲۰۰۴) و پناهی و شایگان (۱۳۸۶) می‌باشد. نتایج نشان داد میزان دینداری پاسخگویان و نیز میزان اعتماد بنیادی آنان، رضایت از عملکرد نقطه تماس، برداشت از میزان تعهدات



مذهبی مسئولان و نیز تلاش دولت برای تامین رفاه اجتماعی اقتصادی مردم بر توسعه سیاسی تاثیر دارد. از دیدگاه دورکیم، در جوامع مدرن، نمادهای انتزاعی وحدت بخش، مثل پرچمهای ملی و نمادهای مشترک و تظاهرات جمعی هنجار و ارزشهای جامعه به افراد کمک می‌کنند که به چه کسی اعتماد کنند. در کل، از نظر دورکیم، در جامعه‌ای که انسجام بالا باشد، اعتماد هم بالا است و مهم، رعایت اصول اخلاقی و احترام به حقوق یکدیگر است که محیط را اعتمادآمیز می‌کند. مرادی، کواکیبیان و فلاحی پیشه (۱۳۹۶) در فراتحلیل مطالعات اعتماد سیاسی در ایران پس از انقلاب اسلامی نشان دادند که اعتماد سیاسی کل شهروندان در حد متوسط می‌باشد. همچنین عوامل اقتصادی و عملکرد دولت در سطح کلان، رسانه‌های جمعی و اعتماد عمومی در سطح میانی و میزان ادراک و دینداری افراد در سطح خرد بر اعتماد سیاسی تأثیرگذار بوده‌اند. نتایج طالبی و دیگران (۱۳۸۷) نشان می‌دهد متغیرهای دینداری، ارزش‌های مادی و فرامادی، استفاده از رسانه‌ها رابطه معناداری با اعتماد سیاسی دانشجویان داشته‌اند.

فرضیه دوم، ارتباط بین سرمایه اجتماعی و توسعه سیاسی را نشان داد. این فرضیه تایید شد و نتایج با نظریات پاتنام همخوانی دارد. نتایج ارسیا و ساعی (۱۳۹۸) حاکی از آن است که اعتماد اجتماعی بر روی نگرش شهروندان تهرانی نسبت به توسعه سیاسی تاثیر مثبت دارد. همچنین متغیر اعتماد اجتماعی بر روی سه بعد نگرش نسبت به توسعه سیاسی نیز تاثیر مثبت دارد.

فرضیه سوم، بین اعتماد سیاسی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد، با نظریه اعتماد سیاسی آلبرت بندورا همخوانی دارد. از نظر بندورا رفتار سیاسی شهروندان تابعی از میزان اعتماد به نفس سیاسی فرد و اعتماد به دولت با میزان پاسخگویی نظام سیاسی است. رفتار سیاسی مشارکت طلبانه که در آن شهروندان برای تعیین سرنوشت خویش و اثرگذاری بر نظام سیاسی با دلگرمی به عمل سیاسی مبادرت می‌ورزند زمانی هویدا و آشکار می‌گردد که هر دو مقوله اتکاء به نفس و اعتماد به انعطاف‌پذیری محیط سیاسی یا اعتماد به دولت با هم تلاقی یافته و این گونه رفتار را سبب می‌شوند. تحلیل کنش سیاسی را در سطح فردی می‌توان به شرایط جامعه پذیری فرد در درون خانواده و نظام آموزشی و فرهنگی مرتبط دانست و از نظر محیط بیرونی (محیط سیاسی) میزان اعتماد را می‌توان متأثر از نظام سیاسی و انعطاف آن از جمله پذیرش دیگری به عنوان واقعیتی اجتماعی و متفاوت قلمداد کرد. هر چه میزان پذیرش مخالف و هزینه فعالیت سیاسی کمتر باشد تبعاً اعتماد سیاسی به دولت (نظام سیاسی) بالاتر خواهد بود.

حاجی علی بیگی، تفاوت و چگنی (۱۳۹۵) نشان دادند که اعتماد مردم به یک نظام سیاسی ارتباط معناداری با باور شهروندان آن جامعه به کارآمدی دولت دارد. اعتمادی که به افزایش مقبولیت آن نظام سیاسی نزد مردم و در نتیجه افزایش سطح مشارکت سیاسی شهروندان منجر می‌گردد. و نیز سطح رفاه



یک ملت و توانایی آنان به رقابت با جوامع مطرح در این زمینه، خود معلول اعتماد مردم به نظام سیاسی می‌باشد. در اقتصاد، اعتماد موجب کاهش هزینه‌ها و به لحاظ روانشناختی باعث ایجاد آرامش، امنیت و سلامت روانی جامعه می‌گردد. برقراری اطمینان و تعامل میان دولت و شهروندان، دموکراسی، عدالت محوری دولت در توزیع امکانات و مناصب و وجود دغدغه‌مندی در ارکان دولت برای حل مشکلات شهروندان، افزایش سطح اعتماد عمومی را به همراه دارد و در نتیجه ارتقای سطح اعتماد عمومی در یک رابطه متقابل، موجب اعتماد سیاسی شهروندان به حکومت در سه سطح اعتماد به سیستم سیاسی، اعتماد به نهادهای سیاسی و به کارگزاران سیاسی می‌گردد که ارمغان آن به همان میزان ارتقای شاخص‌های رفاه و امنیت در جامعه است.

فرضیه چهارم به رابطه بین وسایل ارتباط جمعی و توسعه سیاسی می‌پردازد. نتایج این پژوهش مطابق با این فرضیه با تحقیق عقیلی (۱۳۹۷) سازگار است. توسعه جوامع به ویژه جوامعی که جهان سوم نامیده می‌شوند یکی از مقولات مهمی است که اینترنت در کند شدن یا تسریع آن تأثیر اجتناب‌ناپذیری دارد. صاحب‌نظران علوم سیاسی معتقدند که اینترنت در بعد توسعه سیاسی آثار مثبتی مانند انتشار و کسب آزادانه اطلاعات، تأثیر گسترده بر افکار عمومی و جهت‌دهی به آن، اصلاحات ساختاری کلی و جزئی در جوامع، دموکراسی الکترونیکی، ساماندهی انتخابات و غیره را به دنبال داشته است؛ البته اینترنت تبعات منفی همچون تهدید حاکمیت ملی، کوچک شدن حریم انسان و غیره را نیز دارد؛ اینترنت با توجه به ویژگی‌هایی چون تعاملی بودن، همزمان بودن ارتباط، همه جایی بودن، فقدان کنترل مرکزی، فقدان مالکیت بر شبکه و سانسور گریزی، می‌تواند فضای مساعدی برای احیای ابعاد از دست رفته مشارکت سیاسی و دموکراسی را فراهم آورد و به این ترتیب بستری مناسب برای گسترش مشارکت سیاسی به شمار می‌رود.

فرضیه پنجم، بین جامعه‌پذیری سیاسی و توسعه سیاسی در شهرستان بندر گز رابطه معناداری وجود دارد، با نظرات تالکوت پارسونز همخوانی دارد. از نظر تالکوت پارسونز در درون نظام سیاسی ارزشها و هنجارها اساس اطاعت سیاسی را تشکیل می‌دهند و در نتیجه پذیرش اساسی هنجارها و ارزشها زمینه استمرار سیاسی به شمار می‌رود. تقسیم وظائف در نظام سیاسی مبتنی بر تفاوت در نقشهای سیاسی است.

با توجه به نتایج پیشنهاد می‌شود مسئولین با بررسی میزان دینداری موجب ایجاد اعتماد سیاسی به نهادهای سیاسی در بین شهروندان و افزایش توسعه سیاسی شهرستان شوند. جنبه اعتماد یکی از اصلی‌ترین عناصر سرمایه اجتماعی است که به دلیل حساسیت بالا همیشه در معرض تخریب قرار دارد و عنصری است که روابط اجتماعی و سایر ابعاد سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهد و زمینه‌ساز مشارکت



میان اعضای یک گروه کاری است. با افزایش اعتماد می‌توان اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی را افزایش داده و زمینه را برای توسعه سیاسی جامعه فراهم نمود.

منابع

آذرشب، محمدتقی؛ آسوده، رضا (۱۳۹۸) جایگاه جامعه مدنی در توسعه سیاسی، راهبرد سیاسی، بهار ۱۳۹۸، شماره ۸، صفحه ۹۱ تا ۱۰۵.

آلموند، گابریل و بینگن پاول (۱۳۷۵) جامعه‌پذیری سیاسی و فرهنگ سیاسی، ترجمه علیرضا طیب، تهران، اطلاعات سیاسی و اقتصادی، بهمن و اسفند، شماره ۱۱۴-۱۱۳.

اخوان کاظمی، مسعود؛ سیدشمس‌الدین صادقی؛ ایوب پروندی (۱۳۹۷) روند پژوهی فرایند توسعه سیاسی در ایران معاصر، مجلس و راهبرد، دوره ۲۵، شماره ۹۵، پاییز ۱۳۹۷، صفحه ۲۰۹-۲۴۶.

ارسیا، بابک؛ ساعی، احمد (۱۳۹۸) تأثیر سرمایه اجتماعی دولت بر توسعه سیاسی از دیدگاه شهروندان تهرانی، دانش سیاسی، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۲۹، صفحه ۱ تا ۲۸.

اعتباریان خوراسگانی، اکبر، قلی‌پور مقدم، فریده (۱۳۹۶). مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی، رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۱ (۳)، ۱۲۶-۱۳۹.

اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳) تحول فرهنگی در جوامع پیشرفته صنعتی. ترجمه مریم وتر، تهران: کویر.

اینگلهارت، رونالد و آبرامسون، پل، آر (۱۳۷۸) امنیت اقتصادی و دگرگونی ارزشی. ترجمه شهناز شفیعی‌خانی، نامه پژوهش، شماره‌های ۱۴ و ۱۵، صص ۱۰۵-۵۹.

اینگلهارت، رونالد؛ ولزل، کریستین (۱۳۸۹) نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی، ترجمه یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.

بدیع، برتران (۱۳۷۵) توسعه سیاسی، ترجمه احمد نقیب‌زاده، تهران: نشر قومس.

برزگر، علی (۱۳۷۵) «فرهنگ و توسعه»، اطلاعات سیاسی اقتصادی، سال یازدهم، شماره پنجم و ششم، بهمن و اسفند.

بشیریه، حسین (۱۳۸۰) موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.

بشیریه، حسین (۱۳۷۸) جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران، تهران، مؤسسه نشر علوم نوین



پای، لوسین (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی، ترجمه غلامرضا خواجه‌پور، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

پناهی، محمدحسین (۱۳۸۶) جامعه‌شناسی مشارکت سیاسی زنان، تهران: نشر دانشگاه علامه طباطبایی، چاپ اول.

پناهی، محمدحسین و فریبا شایگان (۱۳۸۶)، اثر میزان دینداری بر اعتماد سیاسی، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۷.

حاجی علی‌بیگی، علیرضا؛ مهدی، تفاوت، روح‌الله، چگنی (۱۳۹۵) نقش شاخص‌های اعتماد اجتماعی در ارتقاء اعتماد سیاسی مردم به دولت (با تکیه بر تاثیر پاسخگویی دولت در ارتقاء اعتماد سیاسی مردم و موفقیت دولت در سیاستگذاری)، اولین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، بنیاد بین‌المللی غدیر گیلان.

خوش‌فر، غلامرضا، شهربانو، میرزاخانی (۱۳۹۵) بررسی رابطه بین شاخص‌های سرمایه اجتماعی با سطح توسعه یافتگی (مورد مطالعه: شهرستان‌های استان گلستان در سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰)، مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ۲، شماره ۳، صفحه ۱-۲۵.

دبیری‌مهر، امیر (۱۳۹۳) گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی از نظریه‌های جامعه محور تا نظریه‌های دولت‌گرا، راهبرد، بهار ۱۳۹۳، دوره ۲۳، شماره ۷۰، صفحه ۱۷۹-۲۰۹.

دمیری، محمدرضا، ابطحی، سید مصطفی. (۱۴۰۰). توسعه یافتگی سیاسی از منظر سرمایه اجتماعی با تاکید بر اعتماد (با رویکرد اسلامی-ایرانی) مطالعه موردی شهر شیراز. جستارهای سیاسی معاصر، ۱۲ (۲)، ۲۳-۵۰.

ذوالفقاری، اکبر عشایری، طاهای، جهان پرور، طاهره؛ باقری دین‌آبادی، سمیرا (۱۴۰۱) رابطه مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی با مشارکت سیاسی: فراتحلیل پژوهش‌های بازه زمانی ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۹، مدیریت سرمایه اجتماعی، تابستان ۱۴۰۱، سال نهم، شماره ۲، صفحه ۲۳۳ تا ۲۶۰.

رزم‌جوئی، صدیقه؛ راسخ، کرامت‌اله؛ خدای، علیرضا (۱۴۰۱) بررسی جامعه‌شناختی تاثیر فرهنگ سیاسی مشارکتی بر توسعه سیاسی (مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه شیراز)، جامعه‌شناسی سیاسی ایران، بهمن ۱۴۰۱، شماره ۲۷، صفحه ۵۱۹۰ تا ۵۲۱۱.



زیباکلام، صادق؛ مهدی صبوحی؛ علی بهرامی، حسن رنجبر کهن (۱۳۹۰) نقش نخبگان سیاسی در توسعه سیاسی ایران، تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری، دوره ۷، شماره ۲ (پیاپی ۱۶)، زمستان ۱۳۹۰، صفحه ۴۳-۵۶.

سعیدی، سحر، عبدالرسول، سلمان ماهینی و سپیده، سعیدی (۱۳۹۸) سنجش میزان بهره‌مندی شهرستان‌های استان گلستان با تاکید بر توسعه یافتگی روستاها با استفاده از روش آنتروپی و تاپسیس، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۲۱، شماره ۱، شماره پیاپی ۸۰، فروردین ۱۳۹۸، صفحه ۱۲۳-۱۳۷.

سیونگ یو، دال (۱۳۷۷) فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی مطالعه تطبیقی کره و ایران، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۰، شماره ۱۰۵۰، تابستان ۱۳۷۷.

شارع پور، محمود (۱۳۸۵) سرمایه اجتماعی، مهندسين مشاور مازند طرح، طرح آمایش سرزمین.

صالحی امیری، سیدرضا، محسن، قدمی و یوسف، بیگ زاده (۱۳۹۱) طراحی و ارائه الگو جهت سنجش تاثیر سرمایه اجتماعی بر ابعاد توسعه پایدار، مدیریت بهره‌وری، سال ششم زمستان ۱۳۹۱ شماره ۲۳.

ضمیری؛ عبدالحسین، سیدرضا، صالحی امیری، سروش، فتحی (۱۳۹۸) گرایش به تحزب و سنجش میزان تأثیر آن بر توسعه سیاسی کشور از منظر نمایندگان مجلس شورای اسلامی (بررسی علی‌نگرش به تأثیر تحزب بر رفتار حزبی)، مطالعات علوم اجتماعی ایران، دوره ۱۶، شماره ۲، شماره پیاپی ۶۱، تابستان ۱۳۹۸، صفحه ۵۵-۷۴.

عقیلی، سید وحید (۱۳۹۷) نقش رسانه‌های نوین در توسعه سیاسی کشورهای جهان سوم. توسعه اجتماعی، ۱۲ (۳)، شماره پیاپی ۴۷، بهار ۱۳۹۷، صفحه ۲۳۵-۲۴۶.

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۷) مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر.

عیوضی، محمدرضا و منصورزاده، محمداقبر (۱۳۹۰) بررسی تأثیر فرهنگ‌سازی سیاسی رسانه ملی بر فرآیند توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، مطالعات روابط بین‌الملل، دوره ۴، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۹۰، صفحه ۹۰-۶۳.

قوام، عبدالعلی، (۱۳۸۴) چالش‌های توسعه سیاسی، تهران، قومس.



لطفی، حیدر (۱۳۹۶) تحلیل و بررسی نقش تحولات و تقسیمات سیاسی بر توسعه شهری با استفاده از مدل SAR (مطالعه موردی: استان گلستان)، پژوهش‌های برنامه‌ریزی جغرافیای شهری، دوره ۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۶، صفحه ۵۱۵-۷۲۰.

مرادنژادسرای، سولماز؛ مجید توسلی رکن آبادی؛ سیدمصطفی ابطحی و علی اشرف نظری (۱۳۹۵) نقش فرهنگ سیاسی در توسعه سیاسی جامعه، نخستین همایش ملی علوم اسلامی حقوق و مدیریت، قم، دانشگاه جامع علمی کاربردی استانداری قم.

کهرازه، محمدگل (۱۳۹۶) نقش نخبگان فکری بلوچ بر توسعه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی جامعه بلوچستان، همایش ملی پژوهش‌های نوین در علوم رفتاری و مطالعات فرهنگی اجتماعی، مشهد، ایران.

عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۳) بنیادهای علم سیاست، تهران، نشر نی، چاپ دوازدهم،

علیخانی، علی اکبر (۱۳۸۷) مشارکت سیاسی، تهران، نشر سفیر.

محمدی‌مهر، غلامرضا؛ توسلی رکن آبادی، مجید؛ طاهری، ابوالقاسم؛ ادیسی، افسانه (۱۳۹۷) گونه‌شناسی مطالعات توسعه سیاسی ایران، پژوهشنامه علوم سیاسی، تابستان ۱۳۹۷، شماره ۵۱، صفحه ۱۰۳-۱۳۴.

مرادی، مهدی، جعفری‌نژاد، مسعود، آذین، احمد، گلشنی، علیرضا. (۱۳۹۹). نقش سرمایه اجتماعی در توسعه سیاسی و اجتماعی ایران بعد از انقلاب اسلامی. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، ۱۶ (۵۳)، ۷۹-۹۴.

مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) سرشماری عمومی نفوس و مسکن، شهرستان بندر گز، ۱۳۹۵.

نسترن، مهین و سارا، فتاحی (۱۳۸۸) سطح بندی شهرستانهای استان گلستان از نظر شاخص‌های توسعه یافتگی با استفاده از روش تحلیل عاملی، جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول پاییز ۱۳۸۸ شماره ۱.

نظری، سیدغنی، حسین بشیری‌گیوی؛ سعید، جنتی (۱۳۹۲) بررسی تاثیر مشارکت سیاسی بر توسعه سیاسی (مورد مطالعه: جوانان شهر خلخال)، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۴۶-۱۳۷.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۹) درک توسعه سیاسی، مترجم دفتر پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی، تهران، پژوهش‌شکده مطالعات راهبردی.

هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۲) سامان سیاسی در جوامع دستخوش دگرگونی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران، نشر علم، چاپ سوم.



10.30495/JSCC.2024.20015



- Alozie, Nicholas O. Patience Akpan-Obong, William A. Foster (2011) Sizing up information and communication technologies as agents of political development in sub-Saharan Africa, *Telecommunications Policy*, Volume 35, Issue 8, September 2011, Pages 752-763.
- Fahmy eldin (2006) " Social Capital Civic action study of you thin the united Kingdom" Vol 14. Pages 707-778.
- Feng Zhu, Alex Yue, Alex Lih Shing Chan, Kee LeeChou (2019) Creative social media use and political participation in young people: The moderation and mediation role of online political expression, *Journal of Adolescence*, Volume 77, December 2019, Pages 108-117.
- Flavin, P. & Keane, M. J. (2012). Life satisfaction and political participation: evidence from the United States. *Journal of Happiness Studies*, 13 (1), 63-78.
- Hoewe, Jennifer, Cynthia, Peacock (2020) The power of media in shaping political attitudes, *Current Opinion in Behavioral Sciences*, Volume 34, August 2020, Pages 19-24.
- Ida, Rachmah, Muhammad, Saud & Musta'in, Mashud (2020) An empirical analysis of social media usage, political learning and participation among youth: a comparative study of Indonesia and Pakistan, *Quality & Quantity, International Journal of Methodology*, Volume 54, Issue 3, June 2020.
- Kirbiš, A. (2013). Political Participation and Non-democratic Political Culture in Western Europe, East-Central Europe and Post-Yugoslav Countries, *Democracy in Transition* (pp. 225-251): Springer.
- O'Neill, Brenda (2004). Gender, Religion, Social Capital and Political Participation. Prepared for delivery at the Annual Meeting of the American Political Science Association.
- Patulny roger (2005) " Social rights and Social Capital Welfare and cooperation in Complex global Society" *Australian review if public affairs*. Vol 6.no 7 pp 5975.
- Skorica, Marko M. Yong, Jin, Park (2014) Culture, technologies and democracy: A cross-national analysis of political development, *Telematics and Informatics*, Volume 31, Issue 3, August 2014, Pages 364-375.



10.30495/JSCC.2024.20015



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی